

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمورشاه تیموری

پیر مرد

یادآوری یکی از هزاران واقعه پرتاب راکتهای کور
بر شهر کابل

این حکایت شنیدم از یاران
پیرمردی ردا بـ دوشی
بـرف پیـری فتاده بر رویش
رنگش از رنج زعفران گشته
زان لباسی که بود بر تن او
پاز پاپوش بود بی بهـره
گاه میگفت بُد مرا پسری
گاه میگفت دخترانم بود
گاه میگفت طفلکانم کو؟
پیر میگفت و زار مینالید
بار دیگر به نوحه کرد آغاز
نالۀ من چـرا نمیشنوید؟؟؟
خانه ام درگرفت و لانه بسوخت
کور و کر گشتم از صدای مهیب

قصه بینـواي بی سامان
جسم باریک و قامتی چو کمان
نگهش سرد و پیکرش لرزان
دیده اش هرطرف بود حیران
نیمه ای از بدن بُدش عـریان
دست بر دست داده و نـالان
که مرا داشت دوست تر از جان
که مرا بود عزت دوران
آن پریچهرگان حور و شان
خون میکرد از تنش فوران
کای مسلمان مردم افغان
من که پیر و زهیرم و حیران
زن و فرزند شد بخاک نهان
آفتی کرد نزول بر میان

از تمام شما طلب دارم قصه من کنید ورد زبان
یک به یک سانه بیان کنید زین جفاکاریهای اهل زمان
من برفتم خدای یاور تان صد چو من اینچنین بشد زجهان
پیر در لحظه ای که جان میداد گفت ای خالق زمین و زمان

عقل و فهمی نصیب ایشان کن

تا شوند پیرو حدیث و قرآن

(المان - ۲۱ جنوری ۲۰۱۲)